

آموزش مبتنی بر هوش‌های
چندگانه و مهارت‌های ذهنی
و اجتماعی کودکان

مهران خدابخشی

پاییز ۹۵

سرشناسه	: خدابخشی، مهران، ۱۳۷۳-
عنوان و نام پدیدآور	: آموزش مبتنی بر هوش های چندگانه و مهارت های ذهنی و اجتماعی کودکان/ مهران خدابخشی
مشخصات نشر	: موسسه اندیشه کامیاب ایرانیان ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۷۸ص: جدول.
شابک	: 978-600-8546-72-6
وضعیت فهرست نویسی	: قیفا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: هوش های چندگانه
موضوع	: Multiple intelligences
موضوع	: مهارت های اجتماعی در کودکان
موضوع	: Social skills in children
موضوع	: بازی های کودکان - جنبه های روان شناسی
موضوع	: Children's games - Psychological aspects*
موضوع	: هوش
موضوع	: Intellect
موضوع	: یادگیری - روان شناسی
موضوع	: Learning, Psychology of
رده بندی کنگره	: ۱۸۱/۹۵ خ/ ۳/ ۴۴۳۲/ ۳
رده بندی دیویی	: ۰۰۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۴۳۳۸۵

عنوان کتاب	: آموزش مبتنی بر هوش های چندگانه و مهارت های ذهنی و اجتماعی کودکان
ناشر	: موسسه فرهنگی انتشارات اندیشه کامیاب ایرانیان
دفتر انتشارات	: تهران - خ انقلاب - پتج شیراز - خ نور محمدی - پلاک ۳۷ - واحد ۱۲ - ۷۷۶۴۱۰۸۹ - Email: e_a_kamyab@yahoo.com
مؤلف	: مهران خدابخشی
ویراستار	: محبوبه رضاعلی
مدیر تولید	: موسسه آموزشی خوارزمی
صفحه آرا	: سید حمید احمدزاده نیک قلب تنها
طراح جلد	: امیر هاشمی
شمارگان	: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ	: اول، ۱۳۹۵
چاپ و صحافی	: موسسه آموزشی خوارزمی
ناظر چاپ	: مهندس پیمان عباد
قیمت	: ۱۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۴۶-۷۲-۶
ISBN: 978-600-8546-72-6

نظام آموزشی هر کشور دستگاهی است که آینده سازان آن کشور را می‌سازد، چرا که کودکان و نوجوانان به عنوان آینده سازان این کشور متفکران و فیلسوفان بالقوه‌ای هستند که در قالب نظام آموزشی ریخته می‌شوند و به تبع این قالب شکل می‌گیرند. در عصر صنعت و نیاز به نیروی انسانی کارآزموده و متخصص زمینه‌ی توسعه و تعمیق آموزشی فراهم و تربیت به صورت مدرسه‌ای و سیستماتیک فراگیر شد. هم اکنون میلیون‌ها دانش آموز در مدارس کشور مشغول به تحصیل هستند و بخش زیادی از بار مسئولیت و شکوفایی فرزندان به عهده‌ی مدارس است و پرورش است. در نتیجه بررسی عوامل مؤثر بر یادگیری و رضایت از تحصیل یکی از مسائل بسیار مهم و قابل تعمیق در آموزش و پرورش است و شایسته است عوامل مرتبط با یادگیری و رضایت از تحصیل بیشتر شناخته شود.

تئوری‌های هوش‌های چندگانه سیه‌ای را از یادگیری و یاددهی اثربخش ایجاد می‌کند که می‌توان بوسیله آن نه تنها روش‌ها، تدریس دانش آموزان را بلکه شیوه ارزشیابی خود را با قرار دادن آنها در یک طرح مناسب‌تر بهره برداری آموزشی از هشت مقوله هوشی و ذهنی متفاوت اثربخش کرد. معلم ابتدا باید بداند که روشهای تدریس برخاسته از یک هوش روش معمولی و غیرخلاق است و اگر در آن روش تدریس از انواع هوش‌های چندگانه استفاده کند می‌تواند تأثیر به سزایی بر بهبود عملکرد معلمان و در نتیجه در یادگیری بهتر دانش آموزان داشته باشد.

از عوامل دیگری که تصور می‌شود بکارگیری آموزش به شیوه هوش‌های چندگانه بتواند باعث افزایش آن شود، ایجاد نگرش مثبت بر رضایت از تحصیل و دانش آموزان می‌باشد، چرا که تحقیقات نشان داده است لذت از یادگیری می‌تواند در یادگیری بهتر دانش آموزان تأثیر بسزایی داشته باشد.

سازگاری موفقیت آمیز در عصر اطلاعات و انفجار علم و فناوری مستلزم آن است که شخص برای جستجوی اطلاعات، تجزیه و تحلیل و به کار بستن آن‌ها برای حل کردن مسائل و تصمیم گیری مناسب از توانایی و مهارت‌های کافی برخوردار باشد. نسل آینده در دنیایی زندگی خواهد کرد که به شیوه تفکر دقیق و پیچیده تری نیاز خواهد داشت تا با برخورداری از سیالی اندیشه و مهارت‌های اساسی، خود را با شرایط همواره متحول زمان سازگار کند. مطالعات اخیر نشان داده است که نه تنها هوش و استعدادها، شناختی، بلکه ویژگی‌های

هیجانی (به ویژه هوش هیجانی) و مهارت‌های اجتماعی نیز در سازمان دهی فرایند یادگیری نقش اساسی دارند.

به اعتقاد گاردنر، نظریه‌ی بهره هوشی که در حدود یک قرن پیش برای پیش بینی چگونگی وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان مطرح شد، از طریق آزمون‌های هوش و استعداد به سنجش توانمندی‌های کلامی، منطقی - ریاضی و گاه فضایی افراد می‌پردازد. مدرسه‌ها به طور سنتی بر مهارت‌های زبانی و ریاضی یعنی همان چیزی که آن آزمون‌ها می‌سنجند، تأکید می‌کنند اما این آزمون‌ها هیچ نشانه‌ای از چگونگی سایر استعدادهای فرد به دست نمی‌دهند؛ مثلاً مشخص نمی‌کنند که فرد تا چه اندازه ذوق هنری دارد، خلاق است، تعهد شero نه دارد و خود را به رعایت اصول اخلاقی ملزم می‌داند و شانس موفقیت وی در زندگی شخصی و حرفه‌ای‌اش چگونه است.

بر خلاف دیدگاه سنتی درباره‌ی هوش، یادگیری تنها از راه به کارگیری توانایی‌های شناختی به دست نمی‌آید، بلکه دیگر انواع هوش نیز در فرایند یادگیری نقش اساسی دارند افراد در فرایند یادگیری، پردازش اطلاعات و حل کردن مسئله، برحسب نوع و سطح توانایی‌های هوشی خود از راه‌های متفاوت استفاده می‌کنند. برای اینکه معلم بتواند برای دانش‌آموزان تجارب مناسب یادگیری فراهم کند، باید استعدادهای آنان را به درستی بسنجد، سپس آنان را راهنمایی کند. با کار بستن حداکثر ظرفیت هوش و استعداد خود در جهت هدفهای آموزشی بکوشند. به این اصول مستلزم آن است که در سنجش پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان به جای تأکید محض بر هوش کلامی زبانی و ریاضی منطقی که به سبب تفاوت‌های فردی و گریه‌ی دانش‌آموزان در الگوهای متفاوت هوش چندگانه گاردنر ناعادلانه است نیازها، الگوهای هوش، راه‌دهای یادگیری دانش‌آموزان بر اساس نظریه هوش چندگانه مورد توجه قرار نگیرد.

امروزه روان‌شناسان نیز به مطالعه راهبردهای نمادی کردن یک مانند زبان، ریاضی، هنرهای تجسمی، حرکات بیانی ۲۲ و دیگر نمادها علاقه مند شده‌اند. به نظر گاردنر عملیات ذهن در نظام نمادی مانند زبان با عملیات نمادی در موسیقی، حرکات بیانی، ریاضی و تصاویر تفاوت دارد. بنابراین برای پردازش اطلاعات شناختی تنها نمادهای زبانی و ریاضی، آن گونه که در آزمون‌های سنتی مورد تأکید است، کفایت نمی‌کند. گاردنر (۱۹۸۳) با این اعتقاد که استدلال، هوش، منطق و دانش معنای یکسان ندارند، دیدگاهی نو از هوش ارائه کرد که به سرعت مورد پذیرش بسیاری از برنامه ریزان آموزشی قرار گرفت. او مفهوم هوش را گذشته از توانایی کلامی و ریاضی به استعداد موسیقی، روابط فضایی، دانش درون فردی و ... گسترش داد. از نظر گاردنر هوش عبارت است از: «استعداد حل کردن مسائل یا تولید

محصولاتی که در یک یا چند فرهنگ با ارزش شمرده می‌شوند، او پس از انجام دادن پژوهش‌های گسترده‌ای دربارهٔ مسائل بیولوژیکی و فرهنگی مرتبط با فرایندهای ذهنی، هفت نوع هوش را پیشنهاد کرد که با دیدگاه سنتی هوش که بیشتر بر تواناییهای زبانی و ریاضی استوار است، تفاوت دارد.

مدارس امروزی فضایی برای تجربه‌های دانش‌آموزان که می‌تواند در عملکرد بهینه‌ی آنان در قرن بیست و یکم مثر ثمر باشد، تدارک نمی‌بینند. جهت تحقق این امر علاوه بر ضرورت حمایت آموزش و پرورش، معلمان نیز باید تسلط کامل و عمیق به موضوع مورد آموزش داشته و از اینکه راه‌های زیادی برای یادگیری دانش‌آموزان وجود دارد، آگاه باشند و در طراحی روشهای مختلف و نوین جهت تطبیق با نیازهای متنوع دانش‌آموزان و خلق تجربه‌هایی که موفقیت طولانی مدت آنها را در یادگیری تضمین می‌کند، کوشا باشند.

گاردنر با اتکا به هوشهای چندگانه خود مخالف این عقیده است که تنها یک راه برای آموزش، یک راه برای علاقه‌مند کردن شاگردان به یادگیری و یک راه برای پس دادن یادگیری‌های آنها وجود دارد. مطابق نظر گاردنر یادگیری واقعی هنگامی تحقق پیدا می‌کند که توانایی‌های منحصر به فرد تک دانش‌آموزان مورد توجه قرار گیرد و شرایط لازم برای ایجاد و پرورش هر یک از توانایی‌های آموزشی فراهم باشد؛ شاید به همین خاطر است که تئوری هوش چندگانه بر یادگیری مبتنی در مقابل کارآموزی تأکید می‌کند.

تدریس بر اساس هوش چندگانه می‌تواند موجب بالا بردن رضایت، بهبود پیشرفت تحصیلی، بهبود یادگیری و یاد سپاری شود. همچنین، بسیاری از معلمان و محققان این مطلب را اظهار یا تأیید می‌نمایند که آموزش مبتنی بر هوش چندگانه، نگرش دانش‌آموزان را نسبت به یادگیری بهبود می‌بخشد.

انسان با مجموعه‌ای از ویژگی‌های خود متولد می‌شود. این ویژگی‌ها در ارتباط مستقیم با حیات زیستی انسان هستند یعنی بدون وجود آنها امکان ادراک زندگی و بقا برای انسان موجود نیست، این ویژگی‌ها عبارتند از غذا خوردن، آشامیدن، نفس کشیدن و غیره. همزمان با افزایش سن بتدریج ویژگی‌های دیگری در انسان پدید می‌آید. این ویژگی‌های ثانویه بدون تردید نتیجه تعامل کودک با محیط و در واقع اثرات متقابل وراثت و محیط بر روی کودک است. از جمله‌ی این ویژگی‌ها رشد ذهنی کودک و میل کودک برای فعالیت‌های گروهی و ارتباط با دیگران است که این فعالیت‌ها در سنین پیش از دبستان بیشتر در قالب بازی نمود پیدا می‌کند. با در نظر گرفتن این موضوع نقش والدین و مربی آموزشی می‌تواند نقشی تعیین کننده در هدایت و رشد این گونه فعالیت‌ها به سمت پرورش مهارت‌های ذهنی و اجتماعی کودک در جهت مناسب باشد.

ظرفیت حرکتی کودک همزمان با رشد یافتگی فیزیولوژیکی و همچنین بر اساس چگونگی تعامل با اطرافیان که به میدان تحولی کودک نظم، جهت و انسجام می‌دهد، متحول می‌شود. بازی شرایطی را برای کودک فراهم می‌سازد که بر اساس آن می‌تواند به اکتشاف دنیای پیرامونش بپردازد و امکان رشد وسیع و همه جانبه کودک را فراهم می‌سازد.

امروزه اهمیت و ارزش بازی در دوران کودکی به وسیله‌ی پژوهش‌های گسترده، کاملاً مورد تأیید قرار گرفته است. بازی روی رشد جسمی، عاطفی، ذهنی، آموزشی، اخلاقی، شخصیتی، اجتماعی تأثیر می‌گذارد و دارای ارزش تشخیصی و درمانی نیز می‌باشد.

با اینکه از زمان میشل منتنی فیلسوف و مربی بزرگ دوره‌ی رنسانس بازی مورد توجه خاص دانشمندان آموزش و پرورش بوده است، ولی در هیچ عصری به اندازه‌ی زمان ما بازی مورد مطالعه و بحث دقیق روانشناسان واقع نشده است. پژوهش‌های جدید نشان داده است که بازی تأثیر بسیاری در رشد بدنی و ذهنی کودکان دارد. بازی یک امر بدون حضور ذهن یا بدون ساخت نیست، بلکه بخش جدایی ناپذیری از زندگی ماست. وسیله‌ی مؤثری برای کارکرد بهینه، مؤثر در برقراری و فراگیری رشد شناختی است.

انجام بازی صرفاً عامل انباشت یادگیری و رشد هوشی نخواهد بود بلکه پیروی از قواعد، اصول و بازی‌های آموزشی و... برای رشد هیجانی، اجتماعی است. بر اساس نظریات "پیاژه و ویگوتسکی" بازی اصلی‌ترین عامل رشد شناختی کودکان است. همچنین یکی از پاک‌ترین روش‌های فکری قابل دسترس برای خردسالان می‌باشد که در قالب بازی با درک واقعیتها و کنترل مهارت‌های شخصی به تعادل دست می‌یابند. پژوهشگرانی مانند کفارت، هارتمن، جین آیزنر، حرکت و فعالیت را اساس یادگیری و پایه‌ای برای تعادل ذهنی می‌دانند. آنان تفکیک ناپذیری نیروهای روانی و جسمانی را در به اجرا درآوردن هرگونه حرکتی آن هم در مراحل اولیه آموزش، به منزله‌ی یک اصل اساسی مورد تأکید قرار می‌دهند. جاسن (۲۰۰۲) معتقد است که فرد می‌تواند مجموع تواناییهای مغزی خود را به یاری حرکت و بهره‌رسانی قرار دهد یا توانمندی‌هایی را به منصه ظهور برساند. از این رو، در نظر گرفتن جنبه‌های حرکتی و تحلیل آنها، برای درک رشد تواناییهای ذهنی ضروری است.

توانایی‌های ذهنی امکان ندارد که از تواناییهای حرکتی پایه جدا باشند. بنابراین، مطالعه این گونه حرکتها و فراهم ساختن امکان پرورش و رشد آنها سبب تقویت و حتی ترمیم توانایی‌های ذهنی می‌شود. از نظر پیاژه، رشد کودک بستگی بسیار به دستکاری دخیل و تصرف او در محیط و پیرامونش و تعامل با آن دارد. وی معتقد است که آگاهی از طریق اجرا

حاصل می‌شود. کودکان برای آنکه بتوانند خودشان را با اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، هرچه بیشتر سازگار کنند، باید مهارت‌های اجتماعی گوناگون را بیاموزند. رشد حرکتی و شرکت فعال کودک در بازیهای گوناگون حرکتی اساس رشد عاطفی- اجتماعی، روانی- حرکتی و شناختی او را تشکیل می‌دهد پس برای آموزش و تغییر مهارت‌های اجتماعی و ذهنی کودکان باید به تقویت و غنی‌سازی محیط آنان قبل از ورود به دبستان مبادرت ورزید، زیرا کودکان ضمن جستجو در محیط، با رویدادهایی روبه‌رو می‌شوند که علاقه آنان را جلب می‌کند. آن‌ها به ویژه تحت تأثیر رویدادهایی قرار می‌گیرند که نسبتاً تازه‌گی دارند، یعنی رویدادهایی که با تجربه‌های قبلی آنان، کاملاً منطبق نباشند. پس وظیفه آموزش پیش دبستانی افزودن توانایی است تا دانایی، زیرا کودک در آغاز اندیشه کاملاً منطقی ندارد و لازم است مراحل فراهم آورد که طی سپری کردن آن مراحل فکر منطقی کودک گسترش یابد. ذهن کودک وقتی به خوبی تحول می‌یابد که فعال باشد. کودک فقط چیزهایی را خوب فرا می‌گیرد که از راه مشاهده، تعمق، تجربه و فعالیت شخصی آموخته باشد. در این میان بازیهای کودکان بازیهای سازمان یافته و هدایت شده و بازیهای آزاد- نقشی بی‌بدیل در تسریع و تقویت توانایی‌های آنان به‌فرا می‌کند.

بسیاری از مربیان آموزش پرورش به نقش بازی به عنوان یکی از مطلوب‌ترین عوامل آموزش و پرورش اشاره کرده‌اند. موندسه‌ری، فروبل، دکرولی، پیازه و گانیه از جمله کسانی هستند که برای آموزش مفاهیم آموزشی به کودکان از بازیهای آموزشی استفاده می‌کردند و استفاده از آن را به عنوان عمده‌ترین وسیله آموزش کودک برای یادگیری موضوعات مختلف مورد تأکید قرار داده‌اند. برنامه‌های حرکتی بازیهای هدفمند همراه با سایر فعالیتهای تربیتی و پرورشی بستر مناسبی برای تکرار برخی از مفاهیم ذهنی و شناختی و پرورش مهارت‌های اجتماعی در دوره پیش دبستانی است. حرکت وسیله‌ای برای برقراری ارتباط و آموزش است و با آن می‌توان مفاهیم اولیه مانند وزن، جهت‌یابی، شکل، کمیت و کیفیت، زمان و مکان و در مجموع ادراک فضا را به کودکان آموخت. از آنجمله، زیرا آموزش نظری برای کودکان سنین پیش دبستانی خسته کننده است، صحت آنکه کودکان این سنین در تیم دوره پیش عملیاتی هستند و درک مفاهیم نظری بدون عمل برای آنان میسر نیست و زمان بر است.

در گذشته تصور می‌شد بازی، صرفاً فعالیتی است که به منظور وقت‌گذرانی و گاه لذت بردن کودکان، مورد استفاده آنهاست و هیچ فایده دیگری از آن حاصل نمی‌شود. اما، امروزه استفاده از بازی در زمینه درمان و آموزش به کودکان گسترش یافته است و این امر به دلیل آن است که بازی به عنوان یک فعالیت لذت بخش برای کودکان بهترین ابزار برای برقراری

ارتباط و ایجاد تغییر در رفتار آنها می‌باشد. علاوه بر استفاده‌های هدف دار از بازی، فرایند بازی کودکان در جمع همسالان خود و یا به همراه بزرگترها، فواید بسیاری نظیر تسهیل رشد شناختی، اجتماعی، عاطفی و جسمی کودکان دارد. بازی یکی از بخش‌های طبیعی دوران کودکی است و فعالیتی است که صرفاً برای لذت بردن انجام می‌شود و انگیزه پنهانی ندارد. بازی خواسته خود کودک است، کودکان برای خودشان بازی می‌کنند و توقع جریمه شدن یا پاداش‌هایی چون شکلات، توجیه یا پول را ندارند. بزرگ‌ترها تمایل دارند بازی را یک فعالیت نه چندان مهم در نظر بگیرند. اما بازی در رشد اجتماعی و شخصیتی کودک اثر بسزایی دارد و این اثر در تمام طول زندگی ادامه می‌یابد. بازی توانایی‌های کودک را به کار می‌اندازد و خلاقیت را به همراه می‌آورد. در خلال بازی، کودک بیشتر از حواس خود استفاده می‌کند و این عمل سبب تقویت حواس او می‌گردد. در خلال بازی‌های گروهی، کودکان، معطاف پذیری، نوبت گرفتن و اجتماعی شدن را آغاز می‌کنند و رضایت خود را تا گرفتن نتیجه، تأخیر می‌اندازند و استقامت و انتظار کشیدن را در خود تقویت می‌کنند.

کودکان در گروه‌های شش ساله، راستگویی، تصمیم‌گیری و نوآوری کسب کرده و این امر در نهایت به تقویت شایسته‌جویی آنان می‌انجامد. بازی جزئی از زندگی کودک و از ضروریات مسلم رشد اوست که با تواتر آغاز می‌شود. بازی برای کودک یک فعالیت طبیعی و منطبق بر فطرت اوست و سبب رشد همه جانبه آن می‌شود. کودک از بازی لذت می‌برد و انرژی بی‌پایانی برای انجام دادن آن دارد. از طریقی بازی کودک نحوه زندگی در جامعه را می‌آموزد و برای بزرگسالی آماده می‌شود. اگر کودکی را در موقع بازی کردن مشاهده کنیم، خواهیم دید که چگونه امکان استفاده از وسایل گوناگون را از میان می‌کند و از ترکیب آنها، موارد استفاده جدیدی را پیدا می‌کند. کودکی که قطعات متعلق به یک اسباب‌بازی را سر هم می‌کند، خانه می‌سازد و خراب می‌کند، قطار درست می‌کند یا با قطعه‌های اسباب‌سواری می‌کند، سخت مشغول شناختن محیط و کسب اطلاعاتی در مورد آن است. حرکتی و شرکت فعال کودک در بازیهای گوناگون حرکتی اساس رشد عاطفی- اجتماعی، ذهنی- حرکتی و شناختی او را تشکیل می‌دهد.

کودکان در خلال بازی‌ها به ویژه بازی‌های آموزشی، به مفاهیم ذهنی جدیدی دسترسی پیدا می‌کنند و مهارت‌های بیشتر و بهتری را کسب می‌نمایند. پژوهشگران بر این باورند، هنگامی که آموزش بر اساس زمان مناسب و گزینش فعالیت مناسب شکل بگیرد آموزش هر کودکی با هر اندازه استعداد و توانایی امکان پذیر است.

کودک با بازی زندگی می‌کند، از بازی لذت می‌برد و ضمن آن مهارت‌های جدیدی کسب می‌کند. او از طریق بازی، علاوه بر رشد، اعتماد به نفس و آشنایی با محیط، حدود

توانایی‌های خویش را می‌شناسد و سعی در رفع کمبودهای خویش می‌کند. بازی برای کودکان بسیار مهم می‌باشد. به طوری که آنها بیشترین ساعات بیداری خود را به بازی و فعالیت می‌پردازند. کودکان زمان بازی را بسیار دوست داشته و این زمان را بر هر چیز دیگری مقدم می‌دارند. با فراگیری مهارت‌های اجتماعی، شناختی و ارتباطی در دوران پیش دبستانی، گرایش به بازی‌های انفرادی یا بازی‌های موازی در کودکان از بین می‌رود و تمایل به مشارکت در بازی‌های تعاملی اجتماعی در آنها نمایان می‌شود. در این دوره است که دوستی‌های استوار بین کودکان نسبتاً پایداری شوند.

در مقایسه با کودکان نوپا، کودکان پیش دبستانی شبکه‌های بزرگتر، منسجم‌تر و سازمان یافته تری را در دوستی‌های متقابل خود با همسالان خاص نشان می‌دهند. تفکر کودک اساساً از مدل تجربه‌های اجتماعی وی تحول می‌یابد و با ایجاد کارکردهای عالی ذهن، امکان برقراری روابط واقعی در وی میسر می‌شود. بنابراین، کودکان فاقد سطوح بالای مهارت‌های اجتماعی، نه تنها تعامل موفقیت آمیزی با همسالان خود ندارند، بلکه رفتارهای مشکل دار در دو بازی شده (مانند احساس غمگینی، افسردگی و تنهایی) و رفتارهای مشکل دار برونی‌سازنده (دند پر خاشگری جسمانی یا کلامی، مهار ضعیف خلق و بحث کردن با دیگران) را نیز بیشتر تجربه می‌کنند. پژوهشگرانی مانند کفارت، هارتمن، جین آیزن، حرکت و فعالیت را اساس یادگیری پایه‌ای برای تحول ذهنی می‌دانند. آنان تفکیک ناپذیری نیروهای روانی و جسمانی را به اندازه آوردن هر گونه الگوی حرکتی آن هم در مراحل اولیه آموزش، به منزله یک اصل اساسی مورد تأکید قرار می‌دهند.

بسیاری از مربیان آموزشی بر این باورند که بازی‌های آ ورزشی برای ایجاد انگیزه در تجربه‌ی مهارت‌ها و اطلاعات جدید مؤثر هستند. آن‌ها اظهار داشتند که بازی‌های آموزشی انگیزشی هستند، زیرا باعث علاقه، هیجان و لذت زیادی می‌شوند، و برای ارتقای شدن دانش آموزان در فعالیت‌های یادگیری لازم هستند. بال (۱۹۷۶) معتقد بود، بازی‌های آموزشی موجب تعامل اجتماعی و بهبود مهارت‌های اجتماعی در طی بازی می‌شوند که می‌تواند، ایجاد جامع‌های در بین افراد درگیر در بازی کمک کند و یادگیری متمرکز بر دانش آموزان را ارتقا دهد. آدامز (۱۹۷۳) و هستاد^۴ (۱۹۹۱) معتقد بودند، بازی‌های آموزشی می‌توانند یادگیری دانش آموزان را تسهیل کنند و موجب مشارکت فعال دانش آموزان در کلاس درس شوند. ویگوتسکی معتقد است که بازی، منبعی هدایت کننده برای رشد ذهنی کودکان پیش دبستانی است.

مهارت‌های اجتماعی توانایی برقراری روابط بین فردی با دیگران است، به نحوی که از نظر جامعه قابل قبول، ارزشمند و منطبق بر عرف و در عین حال برای شخص، خانواده و جامعه سودمند بوده و می‌تواند بهره‌های دو جانبه داشته باشد. یکی از نشانه‌های سلامت روانی و اجتماعی، وجود همین ارتباطات جمعی است. داشتن چنین روابط گرم و صمیمی با انسان‌های دیگر منبع ایمنی، اعتماد، راحتی و آسایش هر انسان، سازمان و جامعه‌ای است. مهارت‌های اجتماعی به عنوان یک تکلیف برای افراد جامعه برای بهتر زیستن لازم می‌باشد. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان در دهه‌های اخیر در بررسی اختلالات رفتاری و انحراف اجتماعی به این نتایج رسیده‌اند که بسیاری از اختلالات و آسیب‌ها در ناتوانی افراد در تحلیل صحیح و مناسب از خود و موقعیت خویش و عدم احساس کنترل و کفایت شخصی جهت راه‌رویی با موقعیت‌های دشوار و عدم آگاهی برای حل مشکلات و مسائل اجتماعی به شیوه مناسب ریشه دارد. بنابراین، با توجه به تغییرات و پیچیدگی‌های روز افزون جوامع، گسترش روابط اجتماعی و آماده‌سازی افراد به خصوص نسل جوانان جهت رویارویی با موقعیت‌های دشوار امری ضروری است.

کودکان پیش دبستان از انواع گوناگونی از فرایندهای فکری را بکار می‌گیرند، و برای جمع‌آوری اطلاعات از همه توانایی‌های ذهنی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه استفاده می‌کنند. آن‌ها برای شمارش، اندازه‌گیری، رتبه‌بندی و طبقه‌بندی، از توانایی‌های حل مسئله‌شان استفاده می‌کنند. آن‌ها برای بر موشان را بطور عملی تجربه می‌کنند. آن‌ها در مورد چگونگی رابطه بین اشیاء فکر می‌کنند و برای انجام بازی‌های خیالی از قوه‌ی تخیل‌شان استفاده می‌کنند. آن‌ها از زبان، روابط غیرکلامی و عمل برای ابراز خود، بهره می‌برند. نهایتاً اینکه آنها برای انجام فعالیت‌هایی نظیر قیچی کردن، بافتن، نقاشی، مهارت‌های حرکتی‌شان را بکار می‌بندند. انجام بازی‌های مختلف، این فرایندهای فکری گسترده را بر می‌انگیزد. جدای از برانگیختن مهارت‌های فکری و ایجاد سرگرمی، انجام این بازی‌ها برای کودکان مزایای دیگری نیز در بردارد. انجام این بازی‌ها به کودکان پیش دبستانی، مفهوم قوانین، رعایت نوبت، و بازی گروهی را یاد می‌دهد. بازی‌هایی که غیر رقابتی و پایه‌هایی برای ایجاد رفتار جوانمردی هستند، چراکه بچه‌ها می‌آموزند که لذت در انجام خود بازی است نه در کسب پیروزی. زمانی که بچه‌ها بصورت گروهی بازی می‌کنند، این بازی‌ها همچنین به رشد مهارت‌های همکاری، مذاکره و اجتماعی آنها نیز کمک می‌کند.

در این کتاب تأثیر آموزش مبتنی بر هوش‌های چندگانه و روش متداول بر یادگیری دانش‌آموزان و تأثیر بازی‌های پیش‌دستانی بر مهارت‌های ذهنی و اجتماعی کودکان بررسی می‌شود.

فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه	۵
فصل اول	۱۷
هوش	۱۷
تاریخچه هوش	۱۸
نظریه های مختلف در ارتباط با هوش	۱۹
مبانی نظریه هوش های چندگانه	۲۱
فصل دوم	۲۳
ابعاد و جنبه های هوش	۲۳
ابعاد هوش از نظر لوئیز ترستون (۱۹۲۸)	۲۳
ابعاد هوش از نظر فریمن (۱۹۸۸)	۲۳
ابعاد هوش از نظر آرجی کتل (۱۹۶۱)	۲۴
ابعاد هوش چندگانه هوارد گاردنر (۲۰۰۴)	۲۴
هوش زبانی	۲۴
هوش موسیقی	۲۴
هوش منطقی - ریاضی	۲۵
هوش فضایی	۲۵
هوش حرکتی - جسمانی	۲۵
هوش درون فردی	۲۵
هوش میان فردی	۲۶
هوش طبیعت گرا	۲۶
سایر هوش ها	۲۶
تفاوت این تئوری با سایر تعاریف سنتی از هوش	۲۶
دیدگاه سنتی در مورد هوش و یادگیری	۲۶
دیدگاه تئوری هوش های چندگانه	۲۷

۲۷	 کاربردهای تئوری هوش های چندگانه در آموزش
۲۹	 اهمیت و کاربرد نظریه‌ی هوش‌های چندگانه
۳۰	 آموزشگاه‌ها و هوش‌های چندگانه
۳۱	 نکات اصلی در نظریه‌ی هوش‌های چندگانه
۳۳	 فصل سوم
۳۳	 بازی
۳۴	 ویژگی‌های اساسی بازی
۳۵	 نظریه‌ی انرژی مازاد
۳۵	 نظریه‌ی پیش‌امرینی
۳۶	 نظریه‌ی غیری مکرر دوگال
۳۶	 نظریه‌ی اجتماعی گریس
۳۷	 نظریه‌ی ویلیام شترن
۳۷	 نظریه‌ی پستالوژی
۳۷	 نظریه‌ی بازپیدایی
۳۸	 نظریه‌ی بیان خود
۳۸	 نظریه‌ی ژان پیاژه
۳۹	 انواع بازی به نظر ژان پیاژه
۳۹	 بازی‌های مهارتی
۳۹	 بازی‌های نمادین
۴۰	 بازی‌های با قاعده
۴۱	 بازی‌های سازنده
۴۲	 فصل چهارم
۴۲	 نظریه‌ی شارلوت بوهرلر
۴۲	 بازی‌های کنشی
۴۲	 بازی‌های وانمودسازی یا خیالی
۴۳	 بازی‌های انفعالی
۴۳	 بازی‌های ساختمانی
۴۳	 بازی‌های جمعی
۴۴	 دیدگاه مکتب اسلام درباره‌ی بازی

۴۴	رشد و تکامل حرکات از دیدگاه علم تکامل بدن انسان
۴۶	مفهوم شناسی مهارت های ذهنی
۴۸	فصل پنجم
۴۸	مباحث نظری مهارت های اجتماعی
۴۸	مفهوم شناسی مهارت های اجتماعی
۵۰	انواع مهارت های اجتماعی
۵۱	عناصر مهارت های اجتماعی
۵۲	پایامد های مهارت های اجتماعی
۵۲	مدرسه و مهارت های اجتماعی
۵۴	فصل ششم
۵۴	آموزش محلی بر هوش های چندگانه
۵۸	فصل هفتم
۵۸	بازی و مهارت های ذهنی
۶۰	بازی و مهارت های اجتماعی
۶۶	منابع و مآخذ
۶۶	منابع
۶۶	منابع فارسی
۷۱	منابع غیر فارسی